انترناسیونال ۶۲۴

اصغر کریمی

**سازماندهی حزبی در ایران**

قسمت سوم (قسمت آخر)

**دوره تدارک تشکیلاتی است**

# صرفنظر از اینکه در ایران چهار ماه دیگر انقلاب میشود یا چهار سال دیگر، باید ملزومات یک انقلاب مدرن با اهداف و خواست های روشن را ایجاد کنیم. یک رهبری متمرکز، یک حزب سیاسی که از نفوذ سیاسی در میان کارگران و بخش پیشرو جامعه برخوردار باشد و درجه معینی از تشکیلات از ملزومات اصلی این کار است. هزار محفل و شبکه مبارزاتی وجود داشته باشد که وجود دارد، خواست های روشنی درمیان لااقل بخش پیشرو جامعه وجود داشته باشد، که وجود دارد، و هزار جمع و گروه پیشرو در مدیای اجتماعی وجود داشته باشد که دارد، اما بدون یک سازمان رهبری کننده متمرکز یا یک حزب سیاسی رادیکال و شناخته شده و صاحب نفوذ در جامعه بویژه در مراکز مهم کارگری و دانشگاهها، در میان معلمان و در جنبش ها و فعالیت های اجتماعی سیاسی مختلف هیچ خیزش توده ای یا انقلابی به نتیجه دلخواه مردم نخواهد رسید. بحث صرفا سرنگونی حکومت نیست بحث علاوه بر آن شکل دادن به آینده ای است که خوشبختی و رفاه عموم مردم قانون اول آن باشد.

آیا چنین حزبی وجود دارد؟ آیا بخش پیشرو جنبش کارگری و اکتیویست های جوان این حزب را میشناسند؟ آیا اساسا در این صورت مساله، یعنی درمورد نیاز حیاتی به یک حزب رادیکال، شریک هستند؟

این حزب، حزب کمونیست کارگری، وجود دارد. اهداف این حزب و مطالبات فوری و مهم مردم، در برنامه این حزب تدوین شده است و حول بسیاری از آنها مبارزات زیادی صورت گرفته و برخی از آنها به مطالبه بخش پیشرو جامعه تبدیل شده است. بسیار رادیکال، دقیق و همه جانبه در عین حال زمینی و قابل تحقق. در مقایسه با برنامه هر حزب سیاسی دیگری این برنامه چند سر و گردن بالاتر است. حزب کمونیست کارگری در عین حال تاریخ بسیار روشنی از مبارزه مستمر، وسیع و موثر در عرصه های متعدد، سازش ناپذیری با حکومت و جناح های مختلف آن، با مذهب، با بیحقوقی های مردم، با تابوها، با اخلاقیات و سنت های عقب مانده و با اپوزیسیون های سازشکار و عقب مانده داشته است. این یک نقطه قوت بسیار مهم حزب است. بدلیل سالها فعالیت گسترده در خارج کشور، تلویزیون ۲۴ ساعته در طول یازده سال گذشته، چهره های شناخته شده و کمپین های بزرگ، بدرجات در ایران شناخته شده است. در زمینه های متعددی فرهنگ سیاسی بالایی را در جامعه جا انداخته و بدرجات فضای اپوزیسیون را تغییر داده است. برنامه داشتن و اهمیت داشتن برنامه و مطالبه را در ایران در بخش قابل توجهی از فعالین جنبش کارگری و بخش پیشرو جامعه جا انداخته است. سنت هایی را در بخش پیشرو جنبش کارگری، علیرغم هر اختلافی که بخشی از آنها با حزب داشته باشند، تثبیت کرده است و بویژه در جنبش کارگری حزب و بسیاری از مباحثش شناخته شده است. همینطور در کردستان حزبی کاملا شناخته شده است. اینها از جمله نقاط قوت مهم حزب است. باید آنرا هرچه بیشتر تقویت کرد.

# 

# آیا حزب کمونیست کارگری نفوذ کافی در جامعه و در میان فعالین عرصه ها و جنبش های مختلف حق طلبانه دارد؟

# پاسخ به این سوال سرراست نیست. حزب کمونیست کارگری حزبی کم و بیش شناخته شده است. بدلیل سابقه فعالیت، ابعاد فعالیت، چهره های شناخته شده و تلویزیون ۲۴ ساعته و بدلیل حرفهای خلاف جریان و عمیق و رادیکالش برای بسیاری از مردم شناخته شده و محبوب است. در جنبش کارگری شناخته شده است. اما بخش قابل توجهی از اکتیویست های نسل جوان که نقش فعالی در شرایط کنونی ایفا میکنند، تصویر درستی از کمونیسم این حزب، از کمونیسم مارکس و کمونیسم کارگری ندارند. تصویر دیگری توسط مدیای حاکم به آنها داده شده که باید عوض شود تا روایتی که از حزب شنیده اند و تلقی شان از حزب عوض شود. در این صورت است که میتوان از نفوذ حزب در این طیف صحبت کرد. لازمه اینکار فقط گذشت زمان یا فعالیت گسترده تر حزب نیست. نحوه فعالیت، زبان تبلیغی حزب، ویترین های حزب، عرض و طول حضور حزب در مدیای اجتماعی و بویژه شبکه های اجتماعی، تشخیص و پرداختن به موضوعات مورد علاقه اکتیویست ها، نقد هرروزه و دائمی جنبش های راست، ناسیونالیست و ملی اسلامی، تعداد چهره های شناخته شده حزب، پروژه های تازه و در عین حال جذاب، ساختارهای حزبی که توان دخیل کردن فعالین در سوخت و ساز خود را داشته باشد و امکانات حزب باید تغییر کند تا تلقی اکتیویست های جوان و فعالین جنبش های اجتماعی نسبت حزب عوض شود. این تغییرات لازم است تا تعداد بیشتری از دوست و دشمن به حزب توجه کنند، عده بیشتری به حزب سمپاتی پیدا کنند، حزب را قبل از هرچیز و صرفنظر از هر اختلافی سازمان مناسبی برای بحث و تبادل نظر ببینند، به رفتارش اعتماد کنند، مباحثش را راهگشا ببینند، در شاهراه های اصلی سیاست و نه در حاشیه ها ببینند، اعتماد بنفس را در رهبری اش ببینند و به آن امید ببندند. این به حضور ملموس حزب در مناطق جغرافیایی و سیاسی مختلف که شرط لازم قدرتمند شدن حزب است کمک میکند. ضرورت این تغییرات از مباحث جاری حزب است. به درجه ای که این تغییرات انجام شود، ایمیج تازه ای از حزب به جامعه میدهد، و بیش از هر بحثی به تغییر نگرش اکتیویست های جامعه برای درک ضرورت حزب نیز، که یک مانع مهم امروز در جامعه ایران، است کمک میکند.

این تغییرات در حزب اساسا کار رهبری حزب و کاری در درجه اول سیاسی است اما بخش مهمی از تلاش برای عوض کردن تلقی اکتیویست های نسل جوان نسبت به حزب و جلب اعتماد آنها به حزب، کاری میدانی و کار تشکیلات حزب در داخل کشور است.

در میان اقداماتی که اسم بردم، حضور مادی حزب در ایران، جغرافیایی و سیاسی، یعنی شکل دادن به یک تشکیلات وسیع و قوام یافته حزبی و دخالتگر در حرکت های اعتراضی در ایران و حضور مادی آن یعنی مردم رد پای حزب، شعارها و اعلامیه هایش را ببینند، حرفهایش را اینجا و آنجا حتی بدون ذکر نام حزب بشنوند و از نزدیک با فعالینش آشنا شوند، مهمترین فاکتور برای پیشروی جامعه در مبارزات امروز و آمادگی در جریان انقلاب آتی است. حزب کادرهای بسیار ورزیده و با کالیبر بالایی در ایران دارد که میتوانند نقش مهمی در تسریع این روند داشته باشند و با حوصله با فعالین جوان کارگری و فعالین اجتماعی رادیکال برای دادن تصویر درست از حزب و کمونیسم حزب و جا انداختن اهمیت حزب در میان آنها کار کنند.

# اما ملزومات یک تشکیلات وسیع و قوام گرفته حزبی چیست؟

داشتن کادرها و فعالین مسلط به متد، اهداف و سیاست های حزب و نیز مسلط به پراتیک اجتماعی و حزبی در عرصه های مختلف مبارزاتی، در مراکز کارگری، دانشگاهها، در میان معلمان و در مدیای اجتماعی و شبکه های مبارزاتی کلید اصلی قضیه است. در جامعه ایران تحرک سیاسی- مبارزاتی، نارضایتی در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی، بی دینی و تنفر از مذهب و قوانین مذهبی و خواست سرنگونی بالاست و این فعالیت کمونیستی و حزبی را بسیار ساده تر کرده است. حزب و کادرهایش باید بر متن این زمینه های اجتماعی، با حضور فعال در عرصه های مختلف مبارزه مردم اعم از جنبش کارگری یا جنبش وسیع ضد مذهبی، علیه حجاب و علیه اعدام، یا جنبش رهایی از فرهنگ عقب مانده و اسلام زده و سنتی و ضد زن و یا مبارزه برای رفاه و امنیت اجتماعی، به پیشروی این عرصه ها و رادیکال نگهداشتن این عرصه ها کمک کنند. بر متن حضور در مبارزات اجتماعی در عرصه ها و زمینه های مختلف است که هم این مبارزات تعمیق و خودآگاه تر میشود و هم حزب زمینه رشد می یابد. بعنوان مثال در ایران یک جنبش اجتماعی وسیع علیه مذهب جریان دارد و این یک حرکت سیاسی علیه حکومت و بنیادهای فکری و ایدئولوژیک آن است. حزب کمونیست کارگری نیز یک حزب افراطی ضد مذهب است. فعال حزب باید در این جنبش و فعل و انفعالات آن فعال باشد، در محافل ضد مذهبی شرکت کند و یا خود چنین محافل و جمع هایی در محیط زندگی خود و یا در مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی ایجاد کند، نقد طبقاتی از مذهب و ریشه های طبقاتی دوام مذهب، را گسترش بدهد و با تبلیغات ناسیونالیستی و راسیستی ضد عرب در این عرصه مقابله کند، تا اولا این جنبش به یک نگرش عمیق، رادیکال و طبقاتی مجهز شود و ثانیا و در بطن این فعالیت مبارزین واقعی ضد مذهب را به ضرورت خلع ید از بورژوازی و ضرورت رشد جنبش سوسیالیستی هدایت کند و به حزب جذب کند. عرصه آزادی زن مثال دیگری است که یک عرصه مهم مبارزاتی امروز زنان و بطور کلی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و مذهب و قوانین آن است. کادر یا فعال حزب باید عمیقا در این مبارزه درگیر باشد، ریشه های بورژوایی ستمکشی زن و دوام این ستمکشی را هر جا که میتواند گسترش بدهد، خود فعالانه درگیر این مبارزه باشد، در تحرکات سیاسی و اجتماعی در این زمینه دخیل باشد و مبارزان واقعی نفی بیحقوقی زن و نابرابری های اجتماعی را به کمونیسم و حزب جلب کند.

در عرصه جنبش کارگری و محیط زیست و حقوق کودک هم عینا همین متد باید بر کار فعال حزب ناظر باشد. اکتیویست های زیادی در این عرصه ها فعالند و تمایلات آزادیخواهانه دارند، بالقوه اینها نیروی حزب هستند و گوشه ای از مطالبات حزب را پیش میبرند و این زمینه را دارند که جذب حزب شوند. اما کادر حزب باید تلاش کند این تمایل اولیه را به درکی کمونیستی برساند و از آنها یک کمونیست شکل بدهد. کمونیستی که هم به حزب و یک جمع حزبی وارد میشود و هم در عرصه اجتماعی مبارزاتی که حضور دارد، نقشی متحدکننده تر، پخته تر، عمیق تر، پیگیرتر، سازش ناپذیرتر و موثرتری ایفا میکند و بیشتر مورد اتکای همرزمان خود میشود. به این معنی با شکل گرفتن هر کمونیستی هم حزب تقویت میشود و هم باید عرصه مبارزاتی که در آن حضور دارد تقویت شود. این با درک مکانیکی از عضوگیری و فعالیت حزبی و کمونیستی اساسا متفاوت است. حزب ما بر خلاف چپ سنتی، بر خلاف کمونیسم بورژوایی و اردوگاهی، همه این عرصه های مبارزاتی را، صرفنظر از اینکه در میان آنها عضوگیری کند یا نه، عرصه های فعالیت خود میداند، برای آنها اصالت قائل است، آنها را بخشی از پویایی جامعه میداند، برایشان ارزش قائل است و تقویت و تعمیق آنها را وظیفه خود میداند. هر فعال این عرصه ها باید رفقای ما را مبارزان صمیمی این عرصه ها ببیند تا به آنها اعتماد و اتکا کند و به بقیه حرفهایشان هم گوش بدهد. فعالیت یک عضو یا کادر حزب در این عرصه ها باید قبل از هرچیز به اتحاد بیشتر در آن عرصه و تقویت آن منجر شود. برخورد سیاسی و غیر ایدئولوژیک، تشخیص شرایط و توازن قوا، تشخیص تاکتیک های درست، دست گذاشتن روی موضوعات مناسب، جلب اعتماد مخاطبینی که مد نظر این عرصه است لازمه موفقیت است. با چنین جمعی و با همکاری و همفکری، وظایفی که اینجا برشمرده شد با سهولت بیشتری عملی میشود. جذب مستعدترین همکاران به حزب تسهیل میشود و بویژه اگر موفق به جذب رهبران و اتوریته های این عرصه یا محل کار بشوید، موفقیت بزرگی کسب کرده اید. باز هم باید تاکید کرد که اولین فاکتور در موفقیت این است که با حضور شما و پیشنهادات شما این عرصه از مبارزه تقویت شود. اگر رفتار شما به چنین هدفی نرسد نقض غرض است.

تئوری های و برنامه های ما از این طریق، یعنی از طریق یک فعالیت سیاسی، توده ای میشود نه از طریق ترویج. از طریق حضور داشتن و نفوذ سیاسی در حرکت ها و جنبش های اجتماعی مختلف و بطور کلی بر متن یک مبارزه سیاسی زنده میتواند به سرعت توده ای شود و به یک نیرو تبدیل شود. ما نیاز مبرم داریم که تئوری ها و نظریات مان را توده گیر کنیم اما روشن است که این با کلاس های ترویجی عملی نیست. باید جنبش کمونیسم کارگری را جلو جامعه بگذاریم، باید در عرصه های مختلف مبارزه حضور فعال داشته باشیم و سنت های خودمان را، که به نفع این عرصه های مبارزاتی نیز هست، جا بیندازیم. سنت های ما، از جا افتادن مطالبات تا خط عدم سازش با هیچ جناحی از حکومت، از فعالیت علنی تا جایی که عملی است و در عین حال توهم ایجاد نکردن به هیچ مقام و ارگان و دار و دسته حکومتی، از پلتیک نزدن تا حقیقت گویی و همه حرفمان را زدن، اینها باید به سنت های حاکم در جنبش های مختلف اجتماعی تبدیل شود، همه جا مدافعینی داشته باشد و به یک فرهنگ مسلط تبدیل شود.

علیرغم همه تبلیغات ضد کمونیستی، اگر به این شیوه کار کنیم گوش شنوا هم برای پی بردن به حرف ها و ایده های کمونیستی ما، کمونیسم انسانی و کارگری مارکس و جذب شدن به آن، زیاد است. مساله وجود مبلغان زمینی و مسلط است. تشویق به کار تشکیلاتی و سازمان یافته در میان انبوه مردم ناراضی از اوضاع و در عین حال مطلع از دنیا واقعا گیرایی دارد اما اینهم به وجود کادرهایی که به چم و خم کار سازماندهی مسلط اند گره خورده است. جامعه تشنه حرف های رادیکال است و حزب ما و کمونیسم ما بیش از هر حزب و مکتب و تفکر دیگری با منافع اکثریت جامعه خوانایی دارد. بنابراین میماند راه و روش فعالیت ما و توانایی آنها در تبلیغ وسازمانگری. در سطور فوق یکی از مهمترین ارکان فعالیت هر فعال حزبی را توضیح دادم. اما فعالیت حزبی رکن مهم دیگری هم دارد و آن ایجاد و توسعه سازمان حزب است.

**وظایف اعضا و کادرها:**

در یک سطح کلی وظایف اعضا و کادرهای حزب را میتوان به وظایف سیاسی و تشکیلاتی تقسیم کرد. در بعد سیاسی، تاثیر بر فضای پیرامونی و محیط کار و زندگی، در مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی، تقویت دیدگاه ها و مطالبات کمونیستی در جامعه و تاثیرگذاری در عرصه های فعالیت اجتماعی، که فوقا توضیح دادم، را میتوان بعنوان محورهای اصلی فعالیت سیاسی اعضا و کادرهای حزب برشمرد. فرض ما این است که با حضور یک عضو و فعال حزب بعنوان یک کمونیست، در یک خانواده، یا در جمع دوستان و همکاران، بسرعت فضای آنها باید به فضایی انسانی تر، متحدتر، مدرن تر، برابرتر، آگاه تر و امیدوارتر تبدیل شود. در محیط کار نیز انتظار میرود که با حضور یک فعال کمونیست و با ایجاد رفاقت عمیق با همکاران، به اتوریته معنوی آنها و رهبر اعتراضات آنها تبدیل شود، اتحاد و اعتماد بنفس ایجاد کند، رابطه محکمی با سایر فعالین برقرار کند و همراه با آنها همکاران را در ظرف های لازم متشکل کند و همبستگی و آگاهی طبقاتی را افزایش دهد. در مدیای اجتماعی نیز همین نوع تاثیرگذاری لازمه و نقطه شروع فعالیت یک فعال حزب است. و این بستر مناسب برای نزدیک کردن مستعدترین ها به کمونیسم و حزب است.

اینجا تاکید را بویژه باید بر تحکیم رابطه با فعالین عرصه ها و جبهه های مبارزاتی مختلف و جذب آنها گذاشت. گفتم که عرصه های مبارزاتی مختلفی، جنبش ها و حرکت های سیاسی اجتماعی مهمی در جامعه ایران شکل گرفته است. در این عرصه ها فعالین موثری حضور دارند، یعنی قشری پیشرو که خود تجربه متشکل کردن، رهبری کردن و آگاهگری دارند. اینها سر گل های جامعه اند. نقش مهمی در گسترش فضای اعتراضی و متحد و کار سازماندهی دارند. این تیپ فعالین بوفور در مدیای اجتماعی هم هستند و اصلا بخش قابل توجهی از فعالیت شان را از طریق همین مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی انجام میدهند. تحکیم رابطه با آنها و جلب آنها به اهداف و سیاست های کمونیستی مهمترین بخش فعالیت یک عضو و کادر حزب است. و با جذب آنها به حزب جمع حزبی را باید شکل داد و تحکیم کرد. و این رکن دوم فعالیت است. روشن است که یک جمع حزبی کارهای خاص خود را دارد. تقسیم کار و ارتباط گیری با رهبری حزب و مشخصا با کمیته سازمانده حزب در خارج کشور، تبادل نظر و همفکری و شنیدن تاکیدات و توصیه ها و انتقال تجارب و غیره. بعبارتی یک عضو و کادر حزب باید خود را تکثیر کند و از فرد به یک جمع حزبی تبدیل شود. با شکل گیری یک جمع حزبی در یک کارخانه یا دانشگاه، در یک محله و یا در یک عرصه مبارزاتی، کار شما در ابعادی وسیعتر گسترش می یابد و قدرت تاثیرگذاری بر عرصه های مبارزاتی و دامنه تاثیر فکری بر محیط پیرامونی و قدرت شما در جذب افراد به حزب بیشتر میشود.

روشن است که در عمل شما به موانع و مشکلات متعددی برخورد میکنید، کار همیشه مطابق آرزوهای شما پیش نمیرود، موانع امنیتی پیش میاید، معضلات روزمره زندگی هم خود عامل بازدارنده مهمی مقابل شما است. با اینهمه این مسیری است که باید طی شود.

**کادر کیست و چگونه پرورش داده میشود؟**

اجازه بدهید به مساله کادر برگردیم. یک سوال مهم این است که کادر کیست و چگونه و در چه پروسه ای کادر ایجاد میشود. کادر حزب مبانی نظری مارکسیسم و حزب، اسناد برنامه ای و مواضع سیاسی و سازمانی حزب را میداند، تفاوت حزب و جنبش کمونیسم کارگری با جنبش های سیاسی بورژوایی را بخوبی تشخیص میدهد، بر جنبه های عملی و سازمانی نیز اشراف دارد و بویژه و قبل از هرچیز تعهد بالایی نسبت به حزب دارد و به موازین و پرنسیپ های حزب کاملا پایبند است. کادر تمامیت حزب را نمایندگی میکند یا بعبارتی کل نقشه را دارد نه صرفا عرصه خاصی را. کادرها در واقع استخوانبندی اصلی یک حزب را تشکیل میدهند. در نهادها و تشکل های غیر حزبی نیز کادرهای آن حرکت استخوانبندی آنرا تشکیل میدهند. خط و جهت آنرا نگه میدارند. در هر فعالیتی و صرفنظر از هر اختلاف نظر موردی که پیش میاید، منافع حزب یا تشکلی که عضو آن هستند را قبل از هرچیز مد نظر دارند. مطالعه عمیق مارکسیسم و ادبیات حزب حیاتی است اما کادر صرفا با مطالعه شکل نمیگیرد. کادر معمولا محصول از یک سو آگاهی و مطالعه و درک عمیق از یک حزب (یا یک تشکل) و از سوی دیگر محصول تجربه عملی است و در کوران مبارزه و جدل فکری و سیاسی شکل میگیرد. روشن است که هر تشکل حزبی و غیر حزبی به درجه ای که از این نوع اعضای متعهد، مسلط و با تجربه داشته باشد به همان اندازه قدرت جذب اعضای بیشتر، و قدرت سیاسی و مبارزاتی بیشتر و نفوذ و تاثیرگذاری بیشتری در جامعه خواهد داشت. کادرها نقش مهمی در حفظ اتحاد درونی و جلب احترام و اعتماد مردم نسبت به حزب یا تشکل غیر حزبی دارند.

هر عضوی بطور واقعی پتانسیل اینرا دارد که در سطح کادر ایفای نقش کند. لازمه اش آمادگی و تمایل و اراده مبارزاتی او است. و تاکید من به همه اعضای حزب این است که تلاش کنند در سطح کادر نقش بازی کنند و به اعضای حول و حوش خود در همین راستا کمک کنند. این یکی از مهمترین ملزومات گسترش نفوذ حزب و تشکیلات حزب و رادیکالیزه کردن هر چه بیشتر مبارزات کارگری و توده ای است. مطالعه کنید و ادبیات حزب را هرچه بیشتر در دسترس دیگران قرار بدهید. فوت و فن کار اجتماعی در عرصه ای که فعال آن هستید را هرچه بهتر یاد فراگیرید و به چهره فعال و توانای آن عرصه تبدیل شوید. در شبکه های اجتماعی عضو شوید یا این شبکه ها را ایجاد کنید و حضور فعال داشته باشید. فعالین کارگری را تشویق کنید که مانند معلمان فعالانه در شبکه های اجتماعی حضور داشته باشند و زمینه یک فعالیت سراسری و جنب و جوش فکری سیاسی مبارزاتی را فراهم کنند.

صحبت من خطاب به فعالین و رهبران جوان کارگری و اکتیویست های اجتماعی این است که این حزب شما است. آرزوها و خواست های شما را دنبال میکند. صرفنظر از اینکه عضو حزب هستید یا نه و صرفنظر از اینکه کاملا این حزب و اهداف و فعالیت هایش باب طبع شما هست یا نه، این حزب به شما تعلق دارد و ایده ها و آرمان های انسانی شما را در جامعه تقویت میکند و موانع فکری ایدئولوژیک در مقابل شما را تضعیف میکند. به این حزب بعنوان یک تشکل سیاسی رادیکال و سازنده اعتماد کنید، رابطه بگیرید، تبادل نظر کنید، ایده هایتان را درمورد عرصه های فعالیت خود و یا در جهت بهبود فعالیت حزب با حزب در میان بگذارید. انتقاداتتان را به ما بگویید. بویژه سعی کنید برای شناخت از این حزب نه به شنیده ها بلکه به اسناد واقعی خود این حزب و به پراتیک روزانه آن مراجعه کنید و ادبیاتش را مطالعه کنید.

بعنوان جمعبندی تاکید میکنم که صرفنظر از اینکه انقلاب کی از راه میرسد، قطب چپ را باید منسجم و تقویت کنیم تا در تحولات آتی، در انقلاب آتی، قطب چپ و کمونیستی نقش اول را بازی کند. اما این هدف بدون تدارک تشکیلاتی عملی نمیشود. دوره قوام دادن به یک سازمان حزبی در داخل کشور است. دوره اوجگیری مبارزه سیاسی و روی آوری وسیع مردم به احزاب سیاسی فرامیرسد. مهم این است که ملزومات جذب این نیروی وسیع را از همین الان فراهم کرده باشیم. بنیه تشکیلاتی و کادری حزب را شکل داده باشیم تا در آن دوره بسرعت شاخه هایمان را در هر کارخانه و دانشگاهی، در هر مدرسه و محله ای و در هر حرکت اعتراضی گسترش بدهیم و به یک حزب توده ای قدرتمند برای رهبری یک انقلاب عظیم توده ای آماده کنیم.